پان‌ترکیسم

یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری

جیکوب لاندو

ترجمهٔ دکتر حمید احمدی

نشر نی

فهرست مطالب

مقدمهٔ مترجم ۹
دیباچه ۱۹

۱. ترک‌های بیرونی: ظهور و سقوط پان ترکیسم در خارج ۲۹
۲. پان ترکیسم در امپراتوری عثمانی: پیدایش و رشد ۶۳
۳. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: مرحلهٔ پنهان ۱۳۱
۴. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: خیزش دوباره ۱۸۷
۵. پان ترکیسم در جمهوری ترکیه: بازگشت به مسیر اصلی ۲۴۳
۶. پان ترکیسم به‌عنوان یک پدیدهٔ الحاق‌گرا ۲۹۱
۷. از الحاق‌گری تا همبستگی ۳۱۱

پیوست: پان ترکیسم: گذشته، حال و آیندهٔ آن ۳۷۱
کتابنامه ۳۷۵
فهرست اعلام ۴۰۱

مقدمهٔ مترجم

یکی از عمده‌ترین تحولات سیاسی و فکری خاورمیانه در آغاز قرن بیستم، ظهور جریان ناسیونالیسم در سراسر منطقه بود. از این میان سه جریان ناسیونالیستی بیش از همه بر سیر تحولات منطقه تأثیر گذاشتند: ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم ایرانی. یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های میان این سه جریان ناسیونالیستی این بود که ناسیونالیسم عرب و ناسیونالیسم ترک در آغاز ماهیت قومی داشتند، یعنی نوعی گرایش فکری در جامعه‌ای (عثمانی) که متشکل از اقوام گوناگون دارای سوابق سیاسی، مذهبی و فرهنگی متفاوت بود. هریک از دو جریان فوق در مراحل آغازین خود در پی تأسیس یک دولت جدید مبتنی بر گروه قومی عرب و ترک بودند. این احساس عربیت و ترک‌بودن، به‌ویژه به‌شکل سیاسی آن از اواسط قرن نوزدهم پیدا شد، و قبل از آن هر دو گروه بر مبنای هویت اسلامی در درون سیستم خلافت اسلامی زندگی می‌کردند. ناسیونالیسم ایرانی برخلاف این دو جریان فکری، ماهیت قومی نداشت تا در پی تأسیس دولت جدید از درون یک امپراتوری بزرگ‌تر باشد. برعکس، ناسیونالیسم ایرانی درواقع نوعی بیداری آگاهی ملی بود که به درجات گوناگون، البته بیشتر به‌شکل فرهنگی و سپس سیاسی در میان اقشار گوناگون جامعهٔ ایرانی وجود داشت. تاریخ کهن دولت ایرانی که حداقل هزار سال قبل از ظهور اسلام تولد یافته بود از یک‌سو، و کتاب‌های گوناگون تاریخی و ادبی موجود به زبان‌های ایران باستان و به‌ویژه پهلوی و ترجمهٔ آنها به عربی و

فارسی پیرامون تاریخ ایران، وجود میراث ادبی کهن، به‌شکل نظم و نثر، و تداوم آگاهی ملی ایرانیان، البته به‌شکل سنتی و نه مدرن آن، از سوی دیگر، در بیداری ملی ایرانیان نقش اساسی ایفا کرده بود. گذشته از این، وجود آثار حماسی همچون **شاهنامهٔ** فردوسی با یادآوری دوران اسطوره‌ای و تاریخی ایران، ویژگی و برجستگی خاصی به آگاهی ملی و هویت ایرانیان در مقایسه با دو گروه قومی عرب و ترک بخشیده بود. ویژگی «قومی» جریان ناسیونالیسم عربی و ترکی و تلاش آنها برای ایجاد یک دولت یکدست قومی و بحران هویت شدیدی که در پایان قرن نوزدهم جامعهٔ عثمانی را دربرگرفته بود، باعث شد که هردو ناسیونالیسم قومی عرب و ترک، به‌تدریج جنبهٔ رمانتیک به‌خود گرفته و به مرزهای افراطی ایدئولوژی‌های «پان» قدم بگذارند. بدین‌خاطر بود که این دو جریان از اوایل قرن بیستم به‌بعد گونه‌های افراطی ناسیونالیسم «پان عربی» و «پان ترکی» را به‌خود گرفتند و برای یکپارچه‌کردن و ادغام سرزمین‌های پراکنده‌ای که به‌گمان آنها نشان از رگه‌های قومی آنها داشت تلاش کردند. بدین‌گونه بود که حتی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، دولت‌های جدیدالتأسیس عربی و ترکیه با الهام‌گیری از ایدئولوژی الحاق‌گرایانهٔ «پان عربیسم» و «پان ترکیسم» در پی گسترش نفوذ سرزمینی خود به مناطق همجوار و گاه دور از مرزهای خود برآمدند. ناسیونالیسم ایرانی، حتی در نوع «پان» خود که به‌لحاظ زمانی مدت‌ها پس از پان ترکیسم و پان عربیسم ظهور کرد، هیچ‌گاه جلوه‌های الحاق‌گرایانه و افراطی به‌خود نگرفت. این به‌ویژه از اینجا ناشی می‌شد که ناسیونالیسم ایرانی بنا به ماهیت خود، برخلاف دو جریان ناسیونالیسم عرب و ترک، در پی درهم‌ریختن نظم سرزمینی و فروپاشی و الحاق سرزمین‌های دیگر برای پی‌ریزی یک دولت قومی نبود، بلکه بیشتر بر آن بود تا در درون مرزهای دولت‌ـملی ایران به بازسازی نظام سیاسی ایرانی بپردازد، و زمینه‌ها را برای نوسازی و پیشرفت جامعهٔ ایرانی فراهم آورد. به‌دلیل همین تفاوت‌های اساسی بود که سه جریان ناسیونالیستی عمدهٔ خاورمیانه به‌لحاظ تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، با یکدیگر تفاوت اساسی داشتند. پان ترکیسم با تبدیل‌شدن به ایدئولوژی رسمی دولت ترک‌های جوان پس از ۱۹۱۰، عامل اصلی درگیرشدن عثمانی در جنگ جهانی اول شد و با تکیه بر آرمان‌های

رؤیاگونهٔ خود جهت اتحاد ترک‌های جهان قدم به راهی گذاشت که ویرانی و فروپاشی امپراتوری عثمانی را به‌دنبال آورد. از سوی دیگر ناسیونالیسم عرب نیز که در اوایل قرن بیستم با جریان پان ترکی کشاکش آشتی‌ناپذیر داشت، با شروع جنگ به نیروهای متفقین پیوست و از درون شورشی نظامی را علیه عثمانی به‌راه انداخت که در ساقط‌کردن رژیم ترک‌های جوان و فروپاشی عثمانی بسیار مؤثر بود.[۱] برعکس، ناسیونالیسم ایرانی به‌دلیل برخورداری از سرزمین و دولت خاص خود، راه اعتدال در پیش گرفت و در جریان جنگ جهانی نخست، با گزیدن سیاست بی‌طرفی، آن‌هم علی‌رغم اینکه سرزمین ایران ــ به‌ویژه مناطق غربی، و شمال‌غربی آن ــ صحنهٔ کشاکش نیروهای متخاصم جنگ بین‌الملل بود، یکپارچگی سرزمینی و تداوم دولتی خود را تضمین کرد. این ناسیونالیسم در راستای هدف بازسازی نظام سیاسی و توسعهٔ ایران، در سال‌های پس از جنگ جهانی اول زمینه‌های شکل‌گیری دولت مدرن و آغاز فرایند نوسازی را فراهم ساخت. جلوهٔ دیگر تلاش ناسیونالیسم ایرانی در راه توسعهٔ اقتصادی و سیاسی جامعهٔ ایرانی، نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و کشاکش آن با بریتانیا بود که در نوع خود بر سایر اقدامات ناسیونالیستی نسبتاً توسعه‌گرا، نظیر ناسیونالیسم مصری و ملی‌شدن کانال سوئز در ۱۹۵۶ تأثیر گذاشت.

همین تفاوت ماهیت سه ناسیونالیسم فوق، یعنی ناسیونالیسم «فروپاشنده ـ الحاق‌گرا»ی عرب و ترک و ناسیونالیسم «نوسازی‌گرا»ی ایرانی، نه‌تنها جریان ناسیونالیسم عرب و ترک را به‌سوی «افراط‌گرایی و گسترش‌طلبی سرزمینی» (برای ادغام سرزمین‌های «هم‌قوم» در کشورهای عربی و ترکیه) کشاند، و ناسیونالیسم ایرانی را همچنان در حالت «اعتدال‌گرایی» نگه داشت، بلکه باعث شد که ناسیونالیست‌های عرب و ترک، در مقایسه با ایران، تلاش بیشتری برای نظریه‌پردازی دربارهٔ ماهیت و اهداف ناسیونالیسم خود به‌عمل آورند. یکی از

---

۱. ر.ک.: مذاکرات محرمانهٔ ماکماهون (نمایندهٔ انگلستان) و شریف حسین رهبر ناسیونالیست‌های عرب، جهت هماهنگی اقدامات نظامی علیه عثمانی در: حمید احمدی، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷، صص ۱۳۷ـ۱۴۹.

عواملی که باعث کثرت کارهای نظری پیرامون ناسیونالیسم عرب و ترک شد، همان ویژگی «پان»بودن و به‌عبارت‌دیگر «الحاق‌گرایی» آنها بود، که پان عربیست‌ها و پان ترکیست‌ها را حتی پس از بنیان‌گذاری کشورهای عربی و ترک در رابطه با دست‌یابی به اهداف موردنظر متقاعد نکرد. به همین دلیل بود که نظریه‌پردازان پان عرب و پان ترک، پس از سال‌های جنگ جهانی اول نیز به شرح‌وبسط ایدئولوژی خود و اصول، برنامه‌ها و اهداف آن، در جهت توجیه الحاق سایر سرزمین‌ها به کشورهای عربی یا ترکیه دست زدند. ناسیونالیست‌های ایرانی، به‌دلیل غیرالحاق‌گرابودن، و توجه به بازسازی اقتصادی-سیاسی نظام و جامعهٔ ایرانی، درصدد نظریه‌پردازی دربارهٔ اهداف، اصول و برنامه‌های ناسیونالیسم ایرانی برنیامدند، و تلاش‌های خود را بیشتر در راه مبارزه با استعمار خارجی یا استبداد داخلی معطوف کردند.

ویژگی «پان» و «الحاق‌گرایانهٔ» بعدی ناسیونالیسم عرب و ترک باعث بروز کشمکش‌های درونی در خاورمیانه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی شد، و این سه جریان ناسیونالیستی را در برابر هم قرار داد. نه‌تنها اعراب و ترک‌ها بر سر برخی سرزمین‌های امپراتوری سابق عثمانی، نظیر ایالت اسکندرون (که ترکیه و سوریه هردو مدعی آن بودند و فرانسوی‌ها در ۱۹۳۹ آن را به ترکیه واگذارکردند) با یکدیگر کشمکش پیدا کردند، بلکه بر سر «الحاق» سایر سرزمین‌های خاورمیانه‌ای با ملت‌های دیگر به نزاع پرداختند. نکتهٔ جالب اینجاست که هردو جریان الحاق‌گرا و رمانتیک «پان عربیسم» و «پان ترکیسم»، به بخش‌هایی از سرزمین ایران چشم طمع دوخته و درصدد الحاق آن به جهان عرب یا ترکیه (یا امپراتوری رؤیایی ترک‌ها) برآمده‌اند. بدین‌گونه بود که «پان عربیسم» در سال‌های پس از دههٔ ۱۹۲۰، بخش‌های عمده‌ای از ایران، نظیر خوزستان، خلیج فارس و جزایر ایرانی آن، و حتی بلوچستان[1] را سرزمین‌های عربی می‌خواند و در گفتار و کردار درصدد الحاق آنها به

۱. پان عربیست‌های افراطی، نظیر رژیم بعث عراق و ریاض نجیب‌الریس پژوهشگر عرب ساکن پاریس، با سرهم‌بندی برخی مسائل تاریخی مدعی عرب‌بودن بلوچستان شده و خواستار تلاش گستردهٔ اعراب برای رهاسازی بلوچستان از خاک ایران و اعادهٔ هویت به اصطلاح عربی ←

جهان عرب بود. از سوی دیگر «پان ترکیسم»، ترک‌زبان‌بودن بخش‌هایی از مناطق ایران را وسیله‌ای در جهت آرمان‌های الحاق‌گرایانه قرار داد، و در مقاطع مختلف تاریخی درصدد الحاق آنها برآمد. همین الحاق‌گرایی دو جریان «پان عربیسم» و «پان ترکیسم» و دعاوی آنها دربارهٔ سرزمین‌های ایرانی باعث شد که بعدها یک جریان کوچک «پان ایرانی» از درون ناسیونالیسم ایرانی ظهور کند و به دعاوی الحاق‌گرایانهٔ فوق پاسخ گوید. بدین‌ترتیب «پان ایرانیسم» نه به‌عنوان یک جریان اولیه و ذاتی ناسیونالیسم ایرانی، بلکه به‌عنوان یک حرکت ثانوی و در پاسخ به دعاوی ارضی و توسعه‌طلبی پان عربیسم و پان ترکیسم نسبت به ایران ظهور کرد.[۱] بااین‌همه این جریان «پان ایرانی» در مقایسه با دو جریان دیگر پان عربی و پان ترکی، معتدل‌تر بوده و بیشتر موضع تدافعی و فرهنگی داشته است تا تهاجمی و «الحاق‌گرا».[۲]

آن شده‌اند. دراین‌باره ر.ک.: حمید احمدی، **قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت**، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، صص ۳۲۳ـ۳۲۵.

۱. محمود افشار یکی از ناسیونالیست‌های ایرانی، در یکی از مقالات خود، به روشنی توضیح می‌دهد که پان ایرانیسم تحت تأثیر اندیشه‌های الحاق‌گرایانهٔ پان ترکیسم و پان تورانیسم به‌وجود آمد. وی ضمن توضیح تلاش‌های الحاق‌گرایانهٔ پان ترکیست‌ها علیه ایران، در اروپا، عثمانی و ترکیهٔ نوین، می‌گوید: «من از همان ایام تحصیل و معاشرت با عثمانی‌ها کاملاً به افکار (پان تورانیست) و ضد ایرانی آنها پی بردم و می‌توانم بگویم که (پان ایرانیسم) را من از (پان تورانیسم) آموختم». ر.ک.: دکتر محمود افشار یزدی، **گنجینهٔ مقالات: جلد اول، مقالات سیاسی یا سیاستنامه جدید**، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۶۸، ص ۵۲۸.

۲. نمونهٔ اندیشهٔ پان ایرانیسم معتدل و مخالف الحاق‌گرایی را می‌توان در نوشته‌های دکتر محمود افشار پیدا کرد. وی با صراحت تمام هرگونه اندیشه و گرایش الحاق‌گرایانه از سوی ایرانی‌ها را رد کرده است. وی در جایی ضمن مخالفت شدید با الحاق‌گرایی می‌گوید: «در این گفتار نظر خود را نسبت به 'پان ایرانیسم' روشن می‌کنم. سابقن هم راجع به «هفده شهر قفقاز» و دیگر نقاط خارج از حدود کنونی ایران در کتاب **سیاست اروپا** و مجلهٔ آینده و دیگر جراید نوشته‌ام که ایران نباید نسبت به آنها نظر سیاسی و ارضی داشته باشد... نوشتن مقالاتی از این نوع... و بلندپروازی‌های بیهوده جز ایجاد سوءتفاهم در میان همسایگان ما، و به ضرر ایران، نتیجه‌ای ندارد.» ر.ک.: دکتر محمود افشار یزدی، **افغان‌نامه**، جلد سوم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۰، صص ۴۷۸ـ۴۷۹، و نیز صص ۴۷۵ـ۴۸۸.

حجم آثار و پژوهش‌های مربوط به دو جریان فکری سیاسی پان عربیسم و پان ترکیسم در سطح جهانی یکسان نبوده است. درحالی‌که پیرامون پان ترکیسم آثار بسیار معدودی در جهان انتشار یافته است، حجم آثار و پژوهش‌های مربوط به ناسیونالیسم عرب و پان عربیسم، چه به زبان‌های غربی و چه عربی، به‌مراتب بیشتر از آثار مربوط به ناسیونالیسم ترک است. شاید یکی از دلایل عمدهٔ این توجه اندک به جریان پان ترکی، به جنبه‌های شدیداً رمانتیک، انزوا و غیرواقعی‌بودن این ایدئولوژی برگردد. به‌عبارت‌دیگر در مقایسه با پان عربیسم و ناسیونالیسم عرب، که اهداف و دعاوی آن ملموس‌تر بوده و بنیادی واقع‌گرایانه‌تر داشته است، پان ترکیسم به‌شدت جنبهٔ رمانتیک داشته و از نظر پژوهشگران و محققان جهانی دارای بنیان‌های واقع‌گرایانهٔ تاریخی نیست که بتوان دربارهٔ آن به پژوهش پرداخت. بدین‌خاطر است که در مقایسه با آثار مربوط به ناسیونالیسم عرب و پان عربیسم، تعداد آثار پژوهشگرانهٔ مربوط به ناسیونالیسم ترک و به‌ویژه نوع «پان ترکیسم» آن بسیار محدود است، و کمتر محققی پیرامون آن به کنکاش پرداخته است. گرچه حجم مقالات پراکندهٔ مربوط به پان ترکیسم تا حدی درخور توجه است، اما تعداد کتاب‌های موجود پیرامون آن به‌مراتب کمتر بوده است. این به‌ویژه در رابطه با اثری که جریان فکری سیاسی پان ترکیسم را از آغاز تاکنون مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد صادق بوده است، چراکه به استثنای اثر کنونی، هیچ کتاب جامعی پیرامون پان ترکیسم در جهان غرب انتشار نیافته است. معدود آثار موجود پیرامون پان ترکیسم که به‌صورت کتاب انتشار یافت، بیشتر مربوط به سال‌های آغازین ظهور پان ترکیسم تا اواسط دههٔ ۱۹۲۰ بوده است. شاید عمده‌ترین این آثار کتاب معروف زاره‌وند[1] بود، که در ۱۹۲۴ انتشار یافت و شرح دقیق و خوبی از پان ترکیسم و فعالیت‌های آن ارائه می‌داد. اما پس از گذشت حدود ۸۰ سال از انتشار این کتاب، به اثر جامعی نیاز بود که سیر تحول پان ترکیسم را از آغاز تاکنون بررسی کند.

بدون شک مهم‌ترین و به‌عبارتی تنها اثر جامع مربوط به پان ترکیسم، کتابی

۱. دربارهٔ این کتاب و ترجمهٔ فارسی آن ر.ک.: منبع شمارهٔ ۲، فصل ۱، ص ۴۹ همین کتاب.

است که ترجمهٔ آن از نظر خوانندگان ایرانی می‌گذرد. گسترش فعالیت‌های جریان‌های پان ترکیستی در منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای قفقاز و آسیای میانه، و تلاش‌های رسمی دولت ترکیه و در کنار آن جمهوری آذربایجان برای پیشبرد پروژهٔ پان ترکی، و ارتباطی که این‌گونه تلاش‌ها می‌تواند با منافع ملی ایران در سطح داخلی و منطقه‌ای داشته باشد، ضرورت شناخت بیشتر و گسترده‌تر جریان پان ترکی را دوچندان کرد. طبیعی بود که علی‌رغم وجود برخی مقالات پژوهشی خوب و آگاهی‌بخش نویسندگان ایرانی، دربارهٔ پان ترکیسم[1]، به اثر جامع‌تری نیاز می‌رفت که ابعاد این پدیده را با شرح‌وبسط دقیق‌تری به خوانندگان ایرانی معرفی کند.

با توجه به همین ضرورت بود که مترجم به برگردان اثر کنونی به فارسی، که درواقع تنهاترین و معتبرترین اثر پیرامون پان ترکیسم در سطح جهانی است، اقدام کرد. این کتاب توسط جیکوب لاندو استاد اسبق مطالعات خاورمیانهٔ دانشگاه عبری بیت‌المقدس در سال ۱۹۸۴ نوشته شد و در سال ۱۹۹۵ پس از تحولات جدید ناشی از فروپاشی شوروی و احیای مجدد پان ترکیسم و تبدیل آن به ایدئولوژی نیمه‌رسمی دولت ترکیه و ایدئولوژی رسمی جمهوری آذربایجان، تجدیدچاپ شد. جیکوب لاندو با تسلط به زبان‌های ترکی، روسی، آلمانی، عربی و البته انگلیسی و استفاده از آرشیوهای گوناگون ترکیهٔ عثمانی و جدید، روسیهٔ شوروی و آلمان، اثری ارائه داده که کمتر پژوهشگری توان انجام آن را داشته است. درواقع کتاب کنونی از سوی تمامی پژوهشگرانی که دربارهٔ پان ترکیسم به نوشتن

---

۱. عمده‌ترین آثار پژوهشگران ایرانی پیرامون پان ترکیسم به‌شرح زیر است:
عنایت‌الله رضا، «ترکان، پان ترکیسم و پان تورانیسم»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره‌های ۵۷ـ۵۸ (خرداد و تیر ۱۳۷۱)؛ کاوه بیات، «ناسیونالیسم ترک و ریشه‌های تاریخی آن»، **نگاه نو**، شمارهٔ ۴ (دی ۱۳۷۰)؛ کاوه بیات، «مقدمه» در **آذربایجان در موج‌خیز تاریخ**، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹؛ حمید احمدی، «ایران و استراتژی پان ترکیسم پس از فروپاشی شوروی»، **مجموعه مقالات همایش تاریخی و ادبی فراق**، تبریز، گردآورنده: دکتر محبوب طالعی، مؤسسهٔ فرهنگی اران، ۱۳۸۱؛ نادر انتخابی، «از عثمانی‌گری تا تورانی‌گری، خاستگاه و نقش تاریخی ناسیونالیسم ترک»، **نگاه نو**، شمارهٔ ۱۶ (مهر و آبان ۱۳۷۲).

مقاله پرداخته‌اند، مورد استفادهٔ گسترده قرار گرفته است.

کتاب کنونی از چند جهت دارای امتیازات متعدد است: نخست اینکه جامع‌ترین نوشته پیرامون پان ترکیسم از هنگام ظهور آن در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم در ۱۹۹۵ است. بی‌گمان هیچ اثر دیگری تاکنون نتوانسته است بدین‌گونه سیر تحول ایدئولوژی و جریان سیاسی پان ترکی را به جهانیان معرفی کند. دوم اینکه کتاب توصیف دقیقی از فعالیت‌های پان ترکیست‌ها، به‌ویژه در سطح انتشار مطبوعات و کتاب‌های گوناگون از آغاز تاکنون به‌دست می‌دهد. سوم اینکه در جریان این شرح‌وبسط فعالیت‌های مطبوعاتی و سیاسی در داخل ترکیه، نویسنده از لابه‌لای تجزیه و تحلیل مطالب نشریات پان ترکی، به معرفی دقیق دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌های پان ترکیست ترکیه می‌پردازد. در جریان همین بررسی‌هاست که خوانندگان به ماهیت و اهداف ایدئولوژی پان ترکی، به‌ویژه ویژگی نژادپرستانه و الحاق‌گرایانهٔ آن پی می‌برند. چهارم اینکه در فصل‌های پایانی کتاب، نویسنده استراتژی نوین پان ترکی دولت ترکیه را تشریح کرده و ابعاد گوناگون سیاست‌های این دولت را جهت پیاده‌کردن ابعاد گوناگون پروژهٔ پان ترکی در منطقه معرفی می‌کند. سرانجام اینکه کتاب به‌خودی‌خود، گسترده‌ترین کتابنامه پیرامون پان ترکیسم محسوب می‌شود، چراکه در لابه‌لای فصول گوناگون آن صدها منبع مربوط به پان ترکیسم و اندیشه‌های نظریه‌پردازان و فعالان آن و فعالیت‌های آنها برای پیشبرد پروژهٔ پان ترکی ارائه شده است، و این خود بهترین و گرانبهاترین امتیازی است که می‌تواند زمینهٔ کارهای بیشتر از سوی پژوهشگران دربارهٔ پان ترکیسم را فراهم سازد.

کتاب روی‌هم‌رفته چند نکتهٔ اساسی را در رابطه با پان ترکیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی و عمل سیاسی به خوانندگان نشان می‌دهد که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. پان ترکیسم به لحاظ ماهیت، یک ایدئولوژی نژادپرستانه است، و همانگونه که از لابلای مطالب فصل‌های گوناگون کتاب برمی‌آید این شونیزم نژادی و شعار «برتری نژاد ترک بر سایر نژادها» در نوشته‌های اغلب نویسندگان پان ترکیست مشاهده می‌شود (برای نمونه ر.ک.: منابع شمارهٔ ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۵۳ فصل سوم.)

۲. پان ترکیسم به همان اندازه که یک ایدئولوژی نـژادگـرایـانه است، بـه‌شدت رمانتیک و تخیلی نیز هست. تأکید بر یگانگی نژاد ترک در کشورهای پراکنده دارای لهجه‌های متفاوت ترکی، ایجاد یک امپراتوری رؤیایی از دل اورپا تا دل چـین، و استفاده از نمادهایی چون گرگ خـاکسـتری (بـوزکورت) در نشـریات و تـبلیغات گروه‌های پان ترکیستی ــ نظیر حزب حـرکت مـلی ــ نـمونهٔ ایـن رمـانتیسیسم و تخیل‌گرایی است.

۳. گروه‌های نخبه‌گرای پان ترکی، چه در ترکیه یا سایر مناطق، نه‌تنها بـه‌لحاظ کمیت گروه‌های کوچک برخوردار از طرفداران محدود بـوده‌انـد، بـلکه مـیان ایـن گروه‌ها و نخبگان سیاسی و فکری آنها رقابت‌های شدیدی نیز بر سر رهبری جریان پان ترکی مشاهده می‌شود (به‌ویژه ر.ک.: مطالب فصل سوم).

۴. پان ترکیسم در نوع خود یک ایدئولوژی و جنبش الحاق‌گرایانه نیز هست، و نوشته‌های پان ترکیست و عمل رهبران آنها (برای نمونه در دوره «ترک‌های جوان»، سال‌های دههٔ ۱۹۷۰، و پس از فروپاشی شوروی) حاکی از این است که الحاق سایر سرزمین‌های دارای جمعیت‌های ترک‌زبان از اهداف عمده پـروژه پـان تـرکی بـوده است.

۵. مطالب جسته و گریخته کتاب نشانگر آن است، که گروه‌های پان ترکیست از همان دههٔ اولیه قرن بیستم به بعد، طرح‌های الحاق‌گرایانه خود نسبت بـه مـناطق آذری‌نشین و سایر مناطق ایران و کشورهای هـمسایه عـراق و افـغانستان را دنـبال می‌کرده‌اند، و گاه به‌ویژه، در سال‌های حاکمیت «ترک‌های جوان» و احتمالاً سال‌های پس از فروپاشی شوروی، گروه‌های پان ترکی به فعالیت‌های سازمانی برای پیشبرد پروژه الحاق‌گرایانه پان ترکی در ایران، و دو کشور دیگر عراق و افغانستان نیز دست می‌زده‌اند. درک این نکته خود بحث جداگانه‌ای را در رابطه با جایگاه این سه کشور در پروژهٔ پان ترکی می‌طلبد.

در کنار این، کتاب دارای کمبودهایی نیز هست که نباید آن را از نظر دور داشت. شاید یکی از عمده‌ترین کمبودهای کتاب، توصیف صرف فـعالیت‌های داخـلی پان ترکیست‌های ترکیه و تجزیه و تحلیل اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های الحاق‌گرایانهٔ آنـــها بـــاشد. بـــه‌عبارت‌دیگر، نـویسنده هـیچ‌گونه شـرح دقـیقی از فـعالیت‌های

پان ترکیست‌ها در رابطه با سایر کشورها به‌دست نمی‌دهد، و جنبه‌های عملیاتی پان ترکیسم را در خارج بررسی نمی‌کند. البته باید توجه داشت این کاری است بس دشوار، که تنها از راه بررسی نشریات گروه‌های پان ترکی به‌دست نمی‌آید، و به تلاش‌های گسترده‌تری در آرشیوهای محرمانهٔ کشورهایی غیر از ترکیه نیازمند است. کمبود دیگر کتاب آن است که کارهای نظری و عملی پان ترکیست‌ها را از نیمهٔ دوم دههٔ ۱۹۹۰ به‌بعد پوشش نمی‌دهد، و این درحالی است که برای پیشبرد پروژهٔ پان ترکیسم در منطقه و انطباق نظریه‌های کلاسیک پان ترکی (به‌ویژه پروژهٔ سیاسی آن در نوشته‌های ضیاء گوک‌آلپ ــ معروف به پدر پان ترکیسم) با تحولات نوین این سال‌ها، تلاش‌های نظری و فعالیت‌های عملیاتی گوناگونی صورت گرفته است.

مترجم برای جبران این کمبودها بر آن شد تا مهم‌ترین تلاش‌های عملیاتی و نظری پان ترکیست‌ها را در چندسالهٔ اخیر مورد بررسی قرار داده و آن را برای خوانندگان ایرانی ارائه دهد. در جریان کنکاش‌های خود، مترجم به این نتیجه رسید که عمده‌ترین تلاش‌های نظری پان ترکیست‌ها برای انطباق ایدئولوژی و پروژهٔ پان ترکی با دورهٔ پس از سقوط اتحاد شوروی را باید در بحث‌های صابر زیان بدرالدین جست‌وجو کرد. به همین خاطر در میان آثار گوناگون او، مترجم مهم‌ترین نوشته‌ای را که می‌تواند بیانگر برنامهٔ کنونی پان ترکیسم باشد، برگزید تا در پیوست کتاب درج کند. بی‌گمان این برنامه را باید در مقالهٔ معروف او با عنوان «پان ترکیسم، گذشته، حال و آینده»[1] یافت که ترجمهٔ آن در پیوست از دید خوانندگان گرامی می‌گذرد. به‌نظر می‌آید که پیشنهادهای مندرج در این نوشتهٔ کوتاه، درحال‌حاضر در دستور عملیاتی گروه‌های پان ترکی در منطقه قرارگرفته است، و آنها تأکید بر مسائل فرهنگی و زبانی در کشورهای دارای گروه‌های ترک‌زبان را به‌عنوان مقدمه‌ای برای فراهم‌ساختن مراحل بعدی ادغام و الحاق سیاسی و سرزمینی در صدر برنامه‌ها و خواسته‌های خود قرار داده‌اند.

به‌هرصورت از آنجا که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال

1. Sabirzyan Badrettin, *Pan-Turkism: Past, Present and Future.*

جمهوری‌های قفقاز و آسیای میانه، جریان پان ترکیستی در ترکیه و جمهوری آذربایجان جان دوباره گرفته و در جهت اجرای پروژهٔ پان ترکی تلاش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گوناگونی را انجام می‌دهد، و از آنجا که دامنهٔ این نوع فعالیت‌ها و تلاش‌ها به گونه‌ای به داخل ایران نیز سرایت کرده است، ترجمهٔ این کتاب می تواند برای درک ماهیت و سیر تحول تفکر و جریان پان ترکی مفید افتد.

مترجم بر خود لازم می‌داند از تمامی کسانی که در راه به پایان‌رساندن این ترجمه و بهینه‌ساختن آن او را کمک و تشویق کردند، به‌ویژه از آقایان کاوه بیات به‌خاطر خواندن متن ترجمه و ارائهٔ پیشنهادات سازنده در رابطه با برخی نام‌ها، و حوادث، و نیز آقای احمد جانسیز به‌خاطر کمک به معادل‌سازی فارسی نام‌ها و واژه‌های ترکی استانبولی سپاسگزاری کند.

حمید احمدی

تهران، بهمن‌ماه ۱۳۸۱

دیباچه

الحاق‌گری[1]، به‌عنوان پدیده‌ای دیرپا در خاور نزدیک و میانه، تجلی ایدئولوژیک یا سازمانی علاقهٔ عاطفی به رفاه اقلیت قومی بیرون از مرزهای کشوری تعریف شده است که همان نوع مردم را در [داخل مرزهای خود] دارد. الحاق‌گری معتدل بیانگر تمایل به دفاع از گروه خویشاوند در برابر تبعیض یا یکسان‌سازی است، درحالی‌که جلوهٔ افراطی‌تر الحاق‌گری در پی به‌دست‌آوردن سرزمینی است که گروه خویشاوند در آن می‌زیند. گرچه الحاق‌گری پدیده‌ای جهان‌شمول نیست، اما به‌ظاهر رایج‌تر از آن است که عموماً گمان می‌رود. پروفسور میرون وینر با اشارهٔ خاص به بالکان(۱) موضوع را مختصراً مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است، اما بیشتر گفته‌های او در مورد اواخر امپراتوری عثمانی و جمهوری ترکیه نیز، که در آن ایدئولوژی پان ترکیسم سال‌های متمادی منبع اصلی الحاق‌گری بود، کاربرد پیدا می‌کند. هدف اصلی این جنبش، درنهایتِ تلاش جهت نوعی وحدت ــ فرهنگی یا مادی یا هردو ــ میان تمامی مردمانی است که واقعاً یا به‌ظاهر ریشه‌های ترکی دارند، و در داخل یا خارج از مرزهای امپراتوری عثمانی (و درنتیجه در خارج یا داخلِ جمهوری ترکیه) زندگی می‌کنند.

میان پان ترکیسم، با تعریف سابق‌الذکر، و تورانیسم (که گاه پان تورانیسم خوانده

---

1. Irredentism

می‌شود) تفاوت وجود دارد، چراکه هدف اصلی پان تورانیسم نزدیکی و درنهایت اتحاد تمامی مردمانی است که گمان می‌رود ریشه‌های آنها به توران، یعنی منطقهٔ نامشخص خیالی و بهشت‌گونهٔ دشت‌های آسیای میانه می‌رسد(۲). بر اساس یک سند ترکی مربوط به سال ۱۸۳۲ در خانات خوقند، توران از سوی حاکمان آن در دوره‌های مختلف، به‌تناوب به ترکستان، تاتارستان، ازبکستان و مغولستان اطلاق می‌شده است.[۱] مرزهای توران از سمت شرق به چین، از سوی جنوب به تبت، هند

---

۱. برابر دانستن واژهٔ «توران» و «تورانی‌ها» با «ترک» و «ترک‌ها» و قلمدادکردن «توران» به‌عنوان سرزمین ترک‌ها، که در اکثر متون پان ترکیستی و آثار تحقیقاتی مربوط به آن به‌چشم می‌خورد، یکی از برداشت‌های نادرست تاریخی بحث‌های پان ترکی است. واژهٔ توران اساساً برای اولین‌بار در متون کلاسیک و زرتشتی به‌عنوان بخشی از «ایران‌زمین» (**ایران ویجه**) آمده است. **شاهنامهٔ فردوسی**، که بارها به واژه‌های توران و تورانی و تورانی‌ها اشاره‌کرده است نیز نه‌تنها این منطقهٔ اسطوره‌ای را بخشی از «ایران‌زمین» می‌داند، بلکه علت نام‌گذاری آن را نیز بیان می‌کند. بر اساس **شاهنامه**، «توران» منطقهٔ تحت قلمرو «تور»، یکی از پسران فریدون، شاه آرمانی ایرانیان در منتهاالیه شمال‌شرقی ایران‌زمین بود. تور به‌همراه «سلم»، از روی حسادت و بر سر قدرت، برادر خود «ایرج» را که از سوی فریدون به‌عنوان پادشاه ایران تعیین شده بود، در یک توطئه می‌کشند. پس از این حادثه فریدون پسر ناخلف خود تور را مجازات می‌کند، اما پس از آن گاه‌به‌گاه میان طرفداران تور و بعدها نخبگان تحت قلمرو او و سایر ایرانی‌ها درگیری‌هایی به‌وجود می‌آید. مهاجرت قبایل ترک به ایران‌زمین (و ابتدا به توران) از قرن هشتم میلادی به‌بعد، و استقرار آنها در آن بخش از ایران باعث این برداشت نادرست شد که توران، سرزمین ترک‌ها بوده است. اما پژوهشگران برجستهٔ ایران‌شناس، شرق‌شناس و ترک‌شناس نظیر باسورث، کاوالسکی، برتولد اشپولر، بارتولد و زنکوفسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که نباید توران را با ترک برابر گرفته و آن را سرزمین ترکان تصور کرد. چنین گمان می‌رود که شرق‌شناسان و پدران اولیهٔ پان ترکیسم نظیر آرمینیوس وامبری و لئون کاهون (ناآگاهانه و شاید هم آگاهانه) مسئول اصلی این برداشت‌های نادرست بوده‌اند، و آن را به پان ترکیست‌ها انتقال داده‌اند. زنکوفسکی به‌خوبی به این خطای تاریخی اشاره می‌کند و می‌گوید:

> آقایف، ضیاء گوک آلپ [معروف به پدر پان ترکیسم] و ناسیونالیست‌های طرفدار آنان چنان غرق شور و اشتیاق بودند که نمی‌دانستند ستایش توران به‌عنوان موطن افسانه‌ای جامعهٔ ترک‌ـمغول متأسفانه بر یک برداشت نادرست ادبی و علمی استوار بود. اصطلاح «توران» در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌غلط برای اشاره به سرزمین ترکی‌ـمغولی آسیای مرکزی به‌کار رفت. این اشتباه بیشتر ناشی از شباهت‌های موجود ←

و ایران، از سوی غرب به دشت قبچاق و دریای خزر، و از سوی شمال باز هم به دشت قبچاق محدود است(۳). تورانیسم بعدها به مفهوم بسیار وسیع‌تری از پان ترکیسم تبدیل شده است که مردمانی همچون مجارها(۴)، فنلاندی‌ها و استونی‌ها را دربرمی‌گیرد. تورانیسم به‌عنوان پاسخی به تهدید اسلاوها، با موجی از محبوبیت مواجه شد(۵)، و از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۰ نشریه‌ای به‌نام **توران** به‌طور منظم انتشار می‌یافت. اندیشهٔ تورانیسم بسیاری از پان ترکیست‌های ترکیه را نیز به خود جلب کرد و آنها اصطلاح توران را به‌گونه‌ای در نوشته‌های خود به‌کار بردند تا به تعبیری وسیع‌تر، که لزوماً به‌معنی پذیرش نزدیکی خودشان با مردمان غیرترک نبود، به سرزمین یا وطن ترکی اشاره کنند(۶).

ظاهراً فردی که بیش از همه و برای نخستین‌بار مسئولیت مشهورساختن مفهوم توران و پان ترکیسم را به‌عهده داشت آرمینیوس (هرمن) وامبری[1] (۷) سیاح و شرق‌شناس یهودی‌ـ‌مجاری بود. وامبری علاوه بر معرفی زبان‌ها و فرهنگ عامهٔ آسیای میانه به خوانندگان کتاب‌ها و مقالات متعدد خود، فصل کاملی از کتاب خود به‌نام **نقش انگاره‌های آسیای میانه**[2] را که اولین‌بار در ۱۸۶۸ منتشر شد(۸)، به تورانی‌ها اختصاص داد. او استدلال می‌کرد که تمامی گروه‌های ترکی به یک نژاد

میان کلمات «توران» و «ترک» بوده است. توران در اصل آن‌گونه که در سنت اساطیری ایرانی در **شاهنامه** اثر حماسی فردوسی آشکار است، به‌مفهوم سرزمین باستانی مردم ترک‌ـ‌مغول نبوده است، بلکه به سرزمین ساکنان شمالی ایران اطلاق می‌شد که تا قرن ششم پس از میلاد در سراسر آسیای مرکزی می‌زیستند. درنتیجه، فرهنگ اصطلاحات پان ترکی و همهٔ تلاش‌های پان ترک‌ها برای معرفی «سرزمین باستانی و باشکوه توران» به‌عنوان مظهر ملیت ترک، حاصل سوءاستفاده از یک اصطلاح جغرافیایی منسوخ‌شده بوده است. ر.ک. به:

Serge A. Zenkovsky, ***Pan-Turkism and Islam in Russia,*** (Cambridge, Harvard University Press, 1969), p. 110.

دربارهٔ جایگاه توران در ایران‌زمین ر.ک.: حسین شهیدی مازندرانی، **مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامهٔ فردوسی**، با مقدمهٔ فریدون جنیدی (تهران، بنیاد نیشابور، ۱۳۷۶)؛ و نیز: صفر عبدالله، «مناسبات مرزی ایران و توران به‌روایت شاهنامهٔ فردوسی»، فصلنامهٔ تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره‌های ۷ و ۸ (تابستان و پاییز ۱۳۸۰)، صص ۷ـ۱۵. ـم.

1. Arminius (Hermann) Vambery 2. ***Sketches of Central Asia***

تعلق دارند و بر اساس نشانه‌های فیزیکی و رسم و رسومات به شعبه‌های فرعی تقسیم می‌شوند. او در کتاب دیگری به‌نام **سفرهایی در آسیای میانه**[1]، که سه‌سال قبل از آن منتشر شد(۹)، طرح کلان یک امپراتوری پان ترک را به‌شرح زیر ترسیم کرد:

خاندان عثمان به‌خاطر دودمان ترکی‌اش، می‌توانسته است بر اساس عناصر خویشاوندی گوناگونی که از طریق زبان مشترک، مذهب و تاریخ به‌هم مرتبط هستند، امپراتوری وسیعی را از ساحل آدریاتیک تا چین بنیان‌گذاری کند که از امپراتوری رومانوف کبیر(۱۰) بسیار قدرتمندتر بود، چراکه او مجبور بود ناهماهنگ‌ترین و نامتجانس‌ترین عناصر را از طریق زور و نیرنگ برای سرهم‌کردن امپراتوری خود به‌کار گیرد. آناتولی‌ها، آذربایجانی‌ها، ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قرقیزها و تاتارها اجزایی هستند که از ترکیب آنها یک قدرت عظیم ترکی می‌تواند به‌پا خیزد، و قدرمسلم از ترکیه‌ای که امروزه می‌بینیم بهتر قادر خواهد بود با رقیب بزرگ شمالی هماوردی کند.

گرچه وامبری در سال‌های بعد عقب‌نشینی کرد و پان ترکیسم را یک پدیدهٔ خیالی واهی نامید(۱۱)، اما تصویر یک امپراتوری پان ترکی را در دسترس همهٔ کسانی که مایل به طرفداری از آن بودند قرار داد. روابط نزدیک وامبری با چندتن از رهبران ترک‌های جوان(۱۲)، احتمالاً در طرفداری آنها از اصول پان ترکیسم نقشی اساسی داشته است.[2]

گرچه پان ترکیسم یکی از مهم‌ترین و جالب‌ترین ایدئولوژی‌های رایج در میان مردمان خاور نزدیک و میانه بوده است، اما تمامیت آن در چارچوب ترکیه هرگز

---

1. *Travels in Central Asia*

۲. دو کتاب بسیار مهم از آثار وامبری به‌زبان فارسی ترجمه شده است. ر.ک.: آرمینیوس وامبری، **سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه**، ترجمهٔ فتحعلی خواجه نوریان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴؛ آرمینیوس وامبری، **زندگی و سفرهای وامبری: دنبالهٔ سیاحت درویشی دروغین**، ترجمهٔ محمدحسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.ـم.

HER IRKIN ÜSTÜNDE TÜRK IRKI!

BOZKURT



SAYI 11 | TEMMUZ 1941 | KURUŞ 20

روی جلد نشریه بوزکورت (گرگ خاکستری) ارگان پان ترکی فاصله سال‌های ۱۹۳۹ـ۱۹۴۲. کادر نقطه‌چین وسعت امپراتوری مورد نظر پان ترکیست‌ها را شامل مناطق شمالی ایران و افغانستان نشان می‌دهد. روی عنوان نشریه، جملهٔ «نژاد ترک، برتر از همهٔ نژادها» نوشته شده و تصویر گرگ خاکستری در درون ماه و ستاره (در پرچم ترکیه و جمهوری آذربایجان کنونی) به‌چشم می‌خورد.

مورد بررسی قرار نگرفته است. جنبه‌های گوناگون پان ترکیسم، به‌ویژه تاریخ اولیهٔ آن در میان گروه‌های ترک‌تبار جنوب روسیه و آسیای میانه در چند تک‌نگاری سودمند توصیف شده است(۱۳) ــ گرچه بخش اعظم ادبیات مربوط به پان ترکیسم دارای گرایش‌های ویژه بوده و درواقع حکم منابع اولیه را داشته است تا مطالعات عمیق پژوهشی. علاوه‌براین، ایدئولوژی و سازمان پان ترکی در خود ترکیه هرگز مورد پژوهش قرار نگرفته است. دو اثری که روزشمار تاریخ پان ترکیسم را به‌دست داده‌اند، به ترکیه نیز اشاراتی داشته‌اند. اینها **تورک‌چولوک**[1] اثر یوسف آقچورا، درانتهای سالنامهٔ **تورک ییلی**[2] که توسط او در ۱۹۲۸ تدوین شد(۱۴)، و **تورک‌چولوگون تاریخی** اثر حسین نامق اورکون[3] هستند که اثر دوم شانزده‌سال بعد منتشر شد و شدیداً از تحلیل آقچورا اقتباس کرده است(۱۵). بعدها، پروفسور بایور[4] فصل مهمی از اثر تاریخی گستردهٔ خود را به پان ترکسیم اختصاص داد(۱۶). این کوتاهی با توجه به این نکته بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم جنبش پان ترکیسم از اوایل قرن بیستم در ترکیه رو به توسعه گذاشته؛ و به‌واقع از جنگ جهانی اول به‌بعد ترکیه کانون فعالیت آن بوده است. علاوه‌براین، اهمیت پان ترکیسم در سال‌های دههٔ ۱۹۶۰ و دههٔ ۱۹۷۰ بیشتر شد و به‌تدریج جایگاه مهمی در سیاست‌های رایج ترکیه پیدا کرد.

بنابراین ما توجه خود را بر پان ترکیسم در ترکیه متمرکز می‌کنیم و ماهیت و سیر تحول آن (هرچند نه به‌تفصیل تمام) و نیز نقش آن در ایجاد نوع جدیدی از ناسیونالیسم را که در ترکیه رایج شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. اما، علاوه‌براین، در سراسر این مطالعه تلاش و تکاپوی ملی‌گرایانهٔ گروه‌های ترک‌تبار خارج ترکیه، به‌ویژه با توجه به لحن پان ترکی آن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. گرچه تحلیل مفصل این تکاپو درگسترهٔ این مطالعه نمی‌گنجد، اما به تأثیر تحولات و فرازونشیب‌های آن اشاره خواهد شد. در اینجا نشان خواهیم داد که آغاز آگاهی ملی

---

1. Yusuf Akçura, ***Türkçülük***
2. ***Türk Yili***
3. Hüseyin Namık Orkun, ***Türkçülüğün tarihi***
4. Bayur

در میان گروه‌های ترک‌تبار [روسیه] عامل بسیار مهمی در ظهور پان ترکیسم در اواخر دوران امپراتوری عثمانی بوده است. درنتیجه، افکار عمومی در جمهوری ترکیه بیشتر تحت‌تأثیر شکایات (واقعی یا تخیلی) گروه‌های ترک‌تبار خارج از ترکیه برانگیخته شده است. سرانجام اینکه، فروپاشی اتحاد شوروی بار دیگر باعث ازسرگیری تماس‌های مستقیم میان ترک‌های ترکیه و مردمان ترک‌تبار جمهوری‌های سابق شوروی شد، اما این تماس‌ها بیشتر بر همکاری اقتصادی و فرهنگی تأکید داشت تا بر الحاق‌گری سیاسی، که به‌نظر می‌رسد تبدیل به یک پدیدهٔ فرعی شده است.

نوشته‌های پان ترکیِ منتشرشده در اروپا برای پژوهش ما مفید بوده‌اند؛ گرچه این آثار ــ و اساساً نشریات ــ اغلب زودگذر بودند، اما در ترکیه توزیع می‌شدند و به‌سرعت بازتاب پیدا می‌کردند. این نوشته‌ها را تاحدی که در دسترس بود بررسی کرده‌ایم، اما منابع اصلی ما آثاری بوده‌اند که توسط خود پان ترکیست‌ها (یا مخالفان آنها) در ترکیه انتشار یافته‌اند. تلاش ما بر این بوده است تا بر گاهنامه‌هایی تکیه و تأکید کنیم که تجلی دیدگاه‌های گروه‌های گوناگون پان ترکی و بازتاب سازمانی آنها بوده‌اند. یادداشت‌های بایگانی وزارت خارجهٔ آلمان، به‌ویژه یادداشت‌های مربوط به دو جنگ جهانی، و نیز رشته‌منابع گستردهٔ موجود در آرشیوهای ادارهٔ اسناد عمومی[1] در لندن، دیدگاه‌های گوناگونی در ارتباط با چند موضوع به‌دست داده‌اند. سرانجام اینکه، مصاحبه با چندتن از رهبران و سخنگویان پان ترکیست در ترکیه به روشن‌کردن برخی نکات تردیدآمیز کمک کرده است.

این کتاب بر آن است که از حد ارائهٔ بررسی و تحلیل صرف پان ترکیسم در ترکیه و سایر نقاط با توجه به پیشینهٔ ناسیونالیسم رو به ظهور در میان گروه‌های ترک‌تبار فراتر رود؛ بر این نیز نیست که تنها به مرور نقش پان ترکیسم در ناسیونالیسم یا سیاست‌های ترکیه پردازد. پان ترکیسم بنا به ماهیت خود یک ایدئولوژی و جنبش الحاق‌گرا بود، و اهداف گستردهٔ آن نیز بیانگر همین نوع گرایش است. تلاش ما بر این است تا برخی از ویژگی‌های اساسی پان ترکیسم را با جنبش‌های مشابه سایر نقاط

1. Public Record Office

(جهان) مقایسه کرده و خصوصیات مشترک و متفاوت آنها را به‌دست دهیم.

در پایان باید گفت که پان ترکیسم بر احساسات و دیدگاه‌های عمیق و ریشه‌دار پیروان خود متکی است. به‌عنوان یک ناظر خارجی، امیدوارم از قضاوت‌های ارزشی اجتناب کرده و در جهت معرفی بی‌طرفانهٔ این پدیده تلاش کرده باشم. اما از آنجا که انسان همیشه به منابع خود وابسته است، شاید اجتناب کامل از برخی خطاها ممکن نبوده باشد. هدف من در سراسر این کتاب نه ستایش و نه محکوم‌ساختن، بلکه مطالعهٔ عینی یک پدیدهٔ جنجالی بوده است. این هدف در رابطه با تغییر و تحولات اخیر مربوط به گسترش پان ترکیسم، که در فصل پایانی کتاب مورد بحث قرارگرفته نیز به‌کار رفته است.

یادداشت‌ها

1. 'The Macedonian syndrome: an historical model of international relations and political development', ***World Politics*** (Princeton), XXIII (4): July 1971, pp. 665–83.

۲. آرنولد توینبی از اولین کسانی بود که به این تفاوت اشاره کرد. ر.ک. به:
A.J. Toynbee, ***Report on the Pan-Turanian Movement,*** 1917, pp. 3–4.
نیز ر.ک. به:
L. Stoddard, ***The new world of Islam,*** 1921, pp. 161 ff.

3. Cf. J.L. Bacqué-Grammont, '***Turan:*** une description du Khanat de Khokand vers 1832 d'après un document ottoman', ***Cahiers du Monde Russe et Soviétique*** (Paris), XIII (2): 1972, esp. pp. 194–9.

۴. دربارهٔ تورانی‌گری مجارستانی ر.ک. به:
'Turkey, Russia and Islam', ***The Round Table*** (London), Dec. 1917, pp. 101 ff.
برای اطلاع از اصطلاح «توران» و کاربرد آن ر.ک. به:
V. Minorsky, "Tūrān", ***EI***[1], s.v.
در اوایل ۱۸۳۹، دانشمندان مجاری از اصطلاح «توران» برای توصیف سرزمین‌های ترکی آسیای میانه و جنوب‌شرقی استفاده می‌کردند. ر.ک. به: